

ماگاموشی

جزیره‌ی جوندگان جسور ۱۸



کاراته‌موش

جرونیمو استیلتن

تصویرگر: لری کیز

مترجم: فریبا چاوشی

ماگاموشی

جزیره‌ی جوندگان جسور ۱۸

کاراته‌موش



جرونیمو استیلتن

تصویرگر: لری کیز
مترجم: فریبا چاوشی

Geronimo Stilton names, characters and related indicia are copyright, trademark and exclusive license of Atlantyca S.p.A. All Rights Reserved.
The moral right of the author has been asserted.

Text by Geronimo Stilton
Original cover by Giuseppe Ferrario
Illustrations by Federico Brusco, Valentina Grassini, and Chiara Sacchi.
Graphics by Michela Battaglin

© 2005 Edizioni Piemme S.p.A., Italy
© 2018 Mondadori Libri for Piemme, Italy
© 2023 for this Work in Persian language, Houppa Publication
International Rights © Atlantyca S.p.A. – Corso Magenta 60/62, Milano, Italia –
foreignrights@atlantyca.it- www.atlantyca.com

Original title: Te lo do io il karate!

Based on an original idea by Elisabetta Dami

Translation by: Fariba Chavoshi

www.geronimostilton.com

Stilton is the name of a famous English cheese. It is a registered trademark of the Stilton Cheese Makers' Association. For more information go to www.stiltoncheese.com

No part of this book may be stored, reproduced or transmitted in any form or by any means, electronic or mechanical, including photocopying, recording, or by any information storage and retrieval system, without written permission from the copyright holder. For information address Atlantyca S.p.A.

نشر هوپا در چارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright)، امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از ناشر آن، Atlantyca، خریداری کرده است.

رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده و ناشر خارجی، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه‌جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است.
اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت نویسنده‌ی آن این کار را کرده است.

سرشناسه: استیلتن، جرونیمو

Stilton, Geronimo

عنوان و نام پدیدآور: کاراته موش / جرونیمو استیلتن؛ تصویرگر لری کیز؛ مترجم فریبا چاوشی.

مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۱۳۶ص: (مصوررنگی).

فروست: ماکاموشی، جزیره‌ی جوندگان جسور؛ ۱۸.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۸۶-۲ دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۵۳۵-۷-۲۰۴-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The karate mouse.

یادداشت: گروه سنی: ج.

موضوع: داستان‌های کودکان (ایتالیایی)

موضوع: Children's stories, Italian

موش‌ها -- داستان

Fiction -- Mice

کارگاه‌ها -- داستان

Workshops -- Fiction

شناسه افزوده: کیز، لری، تصویرگر

شناسه افزوده: چاوشی، فریبا، ۱۳۶۷ - مترجم

رده بندی دیویی: ۸۵۳/۹۱۴

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۸۳۳۰۹۸

ماکاموشی، جزیره‌ی جوندگان جسور ۱۸ کاراته‌موش



نویسنده: جرونیمو استیلتن

تصویرگر: لری کیز

مترجم: فریبا چاوشی

ویراستار: مریم محمدطاهری

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: آزاده توماج‌نیا

نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۵۵-۸۶-۲

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۵۳۵-۷

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون،

کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.

صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵

تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰

همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

www.hoopa.ir

info@hoopa.ir

تحریریهی روزنامهی
جریدهی جوندگان



در جزیره‌ی ما کاموشی کی چه کاره است؟



ته‌آ استیلتن

خواهر جرونیمو و خبرنگار
ویژه‌ی جریده‌ی چوندگان



جرونیمو استیلتن

موش زیرک و خوش فکر،
سردبیر جریده‌ی چوندگان



بنجامین استیلتن

موشچه‌ی نه‌ساله‌ی شیرین
و دوست داشتنی،
برادرزاده‌ی تودل‌بروی جرونیمو



تراپولا استیلتن

یک موش دلگک و بی‌نمک،
پسرعموی جرونیمو و صاحب
مغازه‌ی خرت‌وپرت‌فروشی

دوستان موش‌موشی عزیزم!
به دنیای **جرونیمو استیلتن** خوش آمدید!



سلام جرونیمو!

صبح بهاری دل‌انگیز و **آرامی** بود. خورشید می‌درخشید و پرنده‌ها آواز می‌خواندند. سر‌حال از خواب بیدار شدم. می‌خواستم با یک حمام کف‌جایی **آرامش‌بخش** و گرم از خودم پذیرایی کنم. به‌خاطر همین، ژل شست‌وشوی عزیزم، چدارپاک، را برداشتم و یک‌راست پریدم توی وان حمام.

وای، معذرت می‌خواهم! دارم از عادت‌های روزانه‌ام برایتان می‌گویم، ولی هنوز خودم را معرفی نکرده‌ام.

اسم من استیلتن است،

جرونیمو استیلتن.

من سردبیر جریده‌ی جوندگان

هستم، مشهورترین روزنامه‌ی

جزیره‌ی ما کاموشی.





داشتم می‌گفتم، توی وان دراز کشیده بودم و لای
 حباب‌های باحالی که عطر پنی‌ر می‌دادند، کیف
 می‌کردم. درست وسط شامپوزدن خزه‌ایم بودم که
 تلفن **زنگ** خورد.

آهی کشیدم. **مگر قرار نبود آن روز آرام و دلپذیر باشم؟**

می‌خواستم از وان بیایم بیرون، ولی هیچی نمی‌دیدم. کف جلوی
 چشم‌هایم را گرفته بود.

تلفن هم که همان جور زنگ می‌زد و زنگ می‌زد!

پنجه‌ام را گذاشتم لب وان، سُر خوردم و با سر **شیرجه** رفتم توی
 روشویی!



کف شامپو روشویی را آن قدر لغزان کرد که دوباره سُر خوردم بیرون
 و با مخ خوردم به در حمام.

آخ! پوزه‌ام پاک له و لورده شد!

مگر قرار نبود آن روز آرام و دلپذیر باشم؟

با یک پنجه تلفن را برداشتم و با آن یکی پوزه‌ی کوفته‌ام را مالیدم.

گفتم: «سلام، **جرونیما استیلتن** هستم. یا راستش،
 تیکه‌موشی که ازش باقی مونده!»

- سلام جرونیما! من **گفتار پنجه‌ام**، بروس گفتار پنجه! آماده‌ای؟

جیرت رو نمی‌شنم! بلندتر بوگو! آماده‌ای؟؟



با پوزه خوردم به در حمام!



با سر شیرجه رفتم
 توی روشویی!



برجوری سُر خوردم.



پنجه‌ام رو گذاشتم لب وان.



آماده‌ای؟

وای نه! بروس گفتار پنجه نه!

بروس را می‌شناسید؟ از آن ورزشکارهایی است که جانشان را هم پای ورزش می‌گذارند. عاشق همه‌جور فعالیت ورزشی است، به خصوص ورزش‌های **طاقت‌فرسا**.

خودتان که می‌دانید، من بیشتر اهل کتاب و کتاب‌خوانی هستم تا ورزش. ولی بروس باز هم دست‌بردار نیست و من را برای ماجراجویی‌هایش به این‌ور و آن‌ور می‌کشاند! قصه‌اش را توی یکی از کتاب‌های پُر فروشتم، مسابقه در سرتاسر آمریکا، نوشته‌ام.

بگذریم، **مگر قرار نبود آن روز آرام و دلپذیر باشه؟**

با احتیاط گفتم: «هووووم، بستگی داره تعریف از

”آماده“ چی باشه... **آماده‌ی چی؟!**»

بروس فقط خندید و گفت: «مگه **تائو ریزه**

بهت اخطار نداد؟»

به پت پت افتادم: «ا...ا...ا... اخطار واسه چی؟» بروس بنا کرد به جیر کردن، آن قدر تند جیر می‌کرد

که به زحمت می‌فهمیدم چی بلغور می‌کند...



ا...ا... اخطار!

نمایه‌ی شخصی:

اسم: تائو ریزه

پیشه: روزها مسئول بخش ویراستاری

جریده‌ی جوندگان است و شب‌ها و تعطیلات

آخر هفته، قهرمان کاراته‌ی جهان! همه‌اش

پاپی من می‌شود که یک کتاب مرجع کوچک

در باره‌ی کاراته منتشر کنم.

چند نکته‌ی جالب: تائو دختر عمه‌ی بروس گفتار پنجه است،

مثل سنگ سفت و سخت است، ولی همین‌که اسم برادر کوچک‌اش، تائو

کوچک، می‌آید، مثل کره ذوب می‌شود.

عادت‌های آزاردهنده: جوندگان را نیشگون می‌گیرد تا از

خواب بیدارشان کند. من را هم نیشگون می‌گیرد که زیادی توی وحشت

غرق نشوم.

ارزش‌ها: دوستی، راستی و توانمندی

شیفگی: این‌که همه‌کار بکند، آن‌هم با شور و شوق!

شعار همیشگی‌اش: بخند! بخند! بخند!

راز شادمانی‌اش: تائو ریزه زندگی را خیلی آسان می‌گیرد. عاشق

جوک تعریف کردن برای موش‌هاست که دلشان را شاد کند.

این عبارت یعنی «**تائو ریزه**».





صدرای و شاهارا را می گویم!

من هیچ جوهره تحمل آفتاب سوختگی را ندارم!



آن قدر نگران بودم که خوابم نمی برد. به خاطر همین بلند شدم و فنجانی

نوشیدنی **چدار** داغ و دلپذیر برای خودم درست کردم، بلکه کمی آرامم کند.

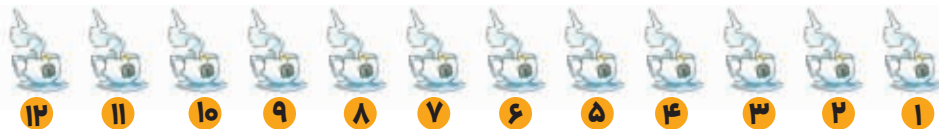
نوشیدنی ام را جرعه جرعه نوشیدم، ولی فایده ای نداشت. هنوز بیدار بیدار بودم.

فنجان دیگری هم نوشیدم، باز هم فایده نداشت.

سومین فنجان را دادم بالا، نه خیر! هیچ خبری نشد. به خاطر

همین چهارمی و **پنجمی** را هم نوشیدم. آن وقت نوک پنجه هایم **یک ریزه مورمور** شد.

دوازدهمین فنجان را که تمام کردم، مثل جنازه افتادم روی تخت و خوابم بُرد. خُررررررررر!



پنج دقیقه ی بعد، **زنگ ساعت**م به صدا درآمد:

زنگ! زنگ!

سرم مثل یک تکه پنیر بری روی بدنم سنگینی می کرد.

کشان کشان از در خانه رفتم بیرون.

بروس منتظرم ایستاده بود.



برنامه‌ی ورزشی

پرس شانه بالا سر:

با دمبل ۲۵ کیلویی
۵۰۰ بار



حرکت بالاتنش:

با میله‌ی بارفیکس
۱۰۰۰ بار



دوچرخه‌ی ثابت:

روزی هشت ساعت



طناب زدن:

روزی ۳۰۰۰ تا



پرس بالا سینه:

با هالتر ۵۰ کیلویی
۵۰ تا



دویدن:

روزی ۴۰
کیلومتر



شنای سوئدی:

۱۰۰۰ وعده‌ی سه‌تایی



نقلب مقلب هم نداریم!
- بروس!



یک چیز مهم را فراموش کرده‌ام!

- سلام **کله‌پنیری!** آماده‌ای؟ هان؟ حیرت رونمی شنم! بلندتر بوگو، آماده‌ای؟

تا بخواهم جیر بزنم، بروس پرید وسط حرفم: «هان، حالا ملتفت شدم! فهمیدم چرا حیرت در نمی‌آد! لابد به خاطر روی فرم نبودنت احساس **گناه** می‌کنی! خب، غمت نباشه. من فکر همه‌جاش رو کرده‌ام! این جا رو نگاه! یکی دو تا برنامه‌ی ورزشی واسه‌ات آورده‌ام.»

دوباره دهانم را باز کردم، ولی یک جیر هم ازش در نیامد! بروس جیر کرد: «چیه؟ می‌میری اقلاً بگی پنجه‌ات درد نکنه؟ از الآن به بعد من **م.خ.ج.ک** هستم!»

با نگرانی پرسیدم: «م.خ.ج.ک چیه؟»

- **مری خبوصی جرونیه‌وی کله‌پنیری!**

حس وحشتناکی داشتم. خیلی خسته بودم، نا نداشتم راه بروم یا جیر بزنم. ولی بروس این چیزها سرش نمی‌شد.